



نگاهی سیستمی به مسائل آموزشی رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات

سمیه سادات آخشیک^۱

چکیده

هر جامعه‌ای حاصل فعالیت نظام‌های در هم تنیده اجتماعی است و در بررسی مسائل آموزشی نمی‌توان نظام آموزشی را در خلاء تصور نمود بلکه بایستی آن را در تعامل با سایر نظام‌های کلان در نظر گرفت. در این روند تعاملی، نظام آموزشی، در حال تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از سایر نظامها است. این تعامل، از ارتباطات تنگاتنگ این نظامها در سطح کلان جامعه حکایت دارد. بدیهی است فقدان نگرش سیستمی در هر نظام آموزشی می‌تواند آسیبهای جدی به آن وارد نماید. آموزش عالی و نقش آن، تابع رویکرد یک جامعه به نظام آموزشی است و بستگی به این دارد که سایر نظامهای اجتماع چه نقشی را ایفا می‌کنند. رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات (کتابداری و اطلاع‌رسانی سابق) به‌عنوان یکی از سیستمهای فرعی آموزش عالی در جایگاه خود دارای مسائل و مشکلاتی است که در این جستار کوتاه سعی خواهد شد به برجسته سازی این مسائل از دیدگاه سیستمی پرداخته شود.

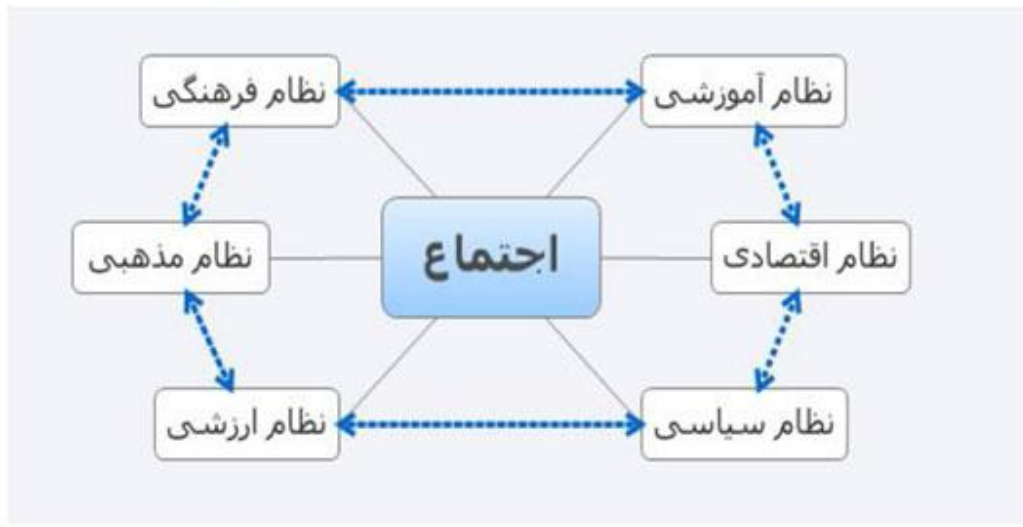
کلیدواژه‌های موضوعی: دیدگاه سیستمی، مسائل آموزش، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نظام آموزش عالی

مقدمه

دیدگاه سیستمی، شیوه‌ای برای مطالعه هدفها است و دنیای انسان را مجموعه‌ای از اجزای متعامل می‌داند که در آن هر جزء، بخشی از یک سیستم بزرگتر است. این دیدگاه، نوعی نگرش است که امکان تشخیص بهتر مسائل، مشکلات و معایب را فراهم می‌آورد و درک و تجزیه و تحلیل را تسهیل می‌کند (حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹، ۲۹-۳۰). با این دیدگاه، تمام آنچه در جهان است، شبکه‌ای درهم تنیده از عناصر سیستمهای متعدد است که گاه برای سایر سیستمهای کوچکتر، ابر سیستم و گاه برای سیستمهای بزرگتر، سیستم فرعی تلقی می‌شوند.

از دریچه این دیدگاه، اجتماع نیز خود حاصل مجموعه سیستمهایی است و هر سیستم اجتماعی، در جایگاه خود، پدیده‌ای اجتماعی- روانی است؛ یعنی هم واحدی است از جامعه و دارای ساختار رسمی اجتماعی و هم تجمعی است از افراد. این پدیده دو وجهی، هم از خرده سیستمهای با ساختار رسمی و قانونی که هدفشان تحقق اهداف گوناگون جامعه و رفع نیازهای آن است تشکیل شده و هم از ویژگیهای متمایز اشخاصی که آن اجتماع را می‌سازند. عمده‌ترین نظامهایی که در اجتماع حضور دارند و ساختار آن را شکل می‌دهند عبارتند از: نظام آموزشی، اقتصادی، سیاسی، ارزشی، مذهبی و فرهنگی. همانطور که در شکل ۱ نیز نشان داده شده است این نظامها با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و بر این مبنا، فلسفه وجودی، اهداف و کارکردهای هریک از آنها بر سایر نظامهای اجتماعی تأثیر گذار است. بررسی هریک از این نظامها در سطح خرد و کلان ناگزیر از پرداختن به سایر نظامها نیز هستند. بر این اساس، بحث حاضر که در بستر نظام آموزشی به آن پرداخته خواهد شد، مستلزم توجه به نظامهای دیگر نیز می‌باشد.

^۱ دانشجوی دوره دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد. ایمیل: somakhshik@gmail.com



شکل ۱: نظام‌های تشکیل دهنده ساختار اجتماع

نظام آموزشی در ایران و ضرورت دیدگاه سیستمی

همانطور که سرکارآرانی (۱۳۸۰) نیز بیان می‌دارد، در کشور ما اساساً رویکرد آموزش عالی جستجوی دانش بوده است، چرا که در تاریخ آموزش عالی ایران، بعد از دارالفنون، مؤسسات آموزش عالی، جستجوگر دانش و انتقال دهنده آن از خارج مرزها به داخل کشور بوده‌اند. در بهترین شرایط، ساختار و نحوه مدیریت آموزش عالی به شکلی بوده که جستجو کننده علم در خارج و توزیع کننده دانش در کشور قرار داشته‌اند. آموزش عالی در ایران مبتنی بر برنامه ریزی براساس تقاضای اجتماعی است و دغدغه اصلی، بحث گسترش کمی آموزش عالی است و کیفیت در این میان با بحران مواجه است و اگر تمهیدات لازم در این زمینه اندیشیده نشود، گسترش کمی آموزش عالی مشکل ساز خواهد شد.

به نظر می‌رسد تلاش‌های بسیاری برای پرورش دانش در کشور شده است اما در این میان، به تغییر نگرش و مهارت‌های عمده دانشجویان، توجه نشده است. این تغییر زمانی امکان پذیر است که زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر پیدا کند و شرایط جدیدی پیش روی آموزش عالی کشور قرار گیرد. اگر وضعیت آموزش عالی به حدی برسد که دیگر با ساز و کارهای قبلی خود جوابگوی نیاز فعلی جامعه نباشد، ناچار به تغییر در رویکرد خود می‌شود، ولی اگر اتکا به نیروی انسانی و مهارت‌ها بیشتر نشود فشاری نیز به آموزش عالی وارد نمی‌شود و نیاز به تغییر رویکرد آموزش عالی به تعویق می‌افتد. از آنجا که رویکرد آموزش عالی از ساز و کارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرد، تا این ساز و کارها متحول نشوند امکان تغییر در رویکرد آموزش عالی نیست. تا وقتی رقابت در عرصه های مختلف سامان پیدا نکند و عرضه و تقاضای نیروی انسانی متعادل نشود، تغییر صرف یکی از اینها بدون توجه به دیگری ممکن نخواهد بود. پس می‌توان گفت که میزان رشد اقتصادی، میزان استخدام، مدل رقابت در بازار کار، ساختار صنعت، رویکرد توجه به توانایی‌های فردی، در کارکرد و نقش و جایگاه دانشگاه و آموزش عالی اثرگذار است.



همانطور که سیستم آموزش کشور متأثر از سایر سیستم‌های اجتماع است، به همین ترتیب خروجی‌های این سیستم نیز برای بسیاری از سیستم‌های دیگر ورودی محسوب می‌شوند. اگر خروجی‌های آموزش حاصل فرایندها (بخش‌های تغییر دهنده‌ای) باشند که بدون در نظر داشتن سیستم‌های دیگر و بر مبنای اهداف غیر واقعی اجتماع تنظیم شده اند، بدیهی است سیستم آموزش ناکارآمد است و کارایی سایر سیستم‌ها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. آموزش در عین حال که متضمن واقعیت‌هایی عینی است، پدیده‌ای انتزاعی و فارغ از زمان و مکان نیست و مجموعه‌ای از عوامل برای رشد و قوام رشته‌های علمی لازم است. با اتخاذ رویکرد سیستمی:

- شناسایی اجزاء، زیر سیستم‌ها و فراسیستم‌ها ممکن می‌شود،
 - عوامل "موثر/ تأثیر گذار" به آموزش و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر مشخص می‌شود،
 - ارزیابی سیستم آموزش و میزان نزدیکی/ انحراف آن از اهداف قابل شناسایی است.
- در ادامه، آموزش سعی خواهیم کرد آموزش دانش شناسی و علم اطلاعات را از این رویکرد بنگریم.

اهمیت و جایگاه آموزش در رشته دانش شناسی و علم اطلاعات

مرور متون مربوط به تاریخ آموزش رشته و مسائل آن در ایران حاکی از مورد توجه بودن این مقوله طی سالیان متمادی است (۴۵ سال آموزش رسمی و گذشت بیش از ۷۰ سال از آموزش غیر رسمی) اما با این حال به نظر می‌رسد "گره کور آموزش دانش شناسی [دانش شناسی و علم اطلاعات]" (ابرامی، ۱۳۵۴) هنوز باز نشده است! در این بخش، به آموزش دانش شناسی و علم اطلاعات به‌عنوان یکی از سیستم‌های فرعی نظام آموزش عالی کشور می‌پردازیم. آموزش، حوزه‌ای زیر بنایی که بستر ساز حیات یا اضمحلال رشته است. به نظر می‌رسد آموزش رشته دانش شناسی و علم اطلاعات در ایران، بیشتر بر اساس ضرورت آغاز و گسترش آن بوده و به جز در موارد معدودی پیش‌بینی‌های لازم و کافی وجود نداشته است. این گسترش، اغلب تنها از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و تحت نظارت انجمن کتابداری ایران بوده است (حیاتی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد چنین آغازی بر ادامه فعالیت‌های این رشته خالی از تأثیر نبوده است.

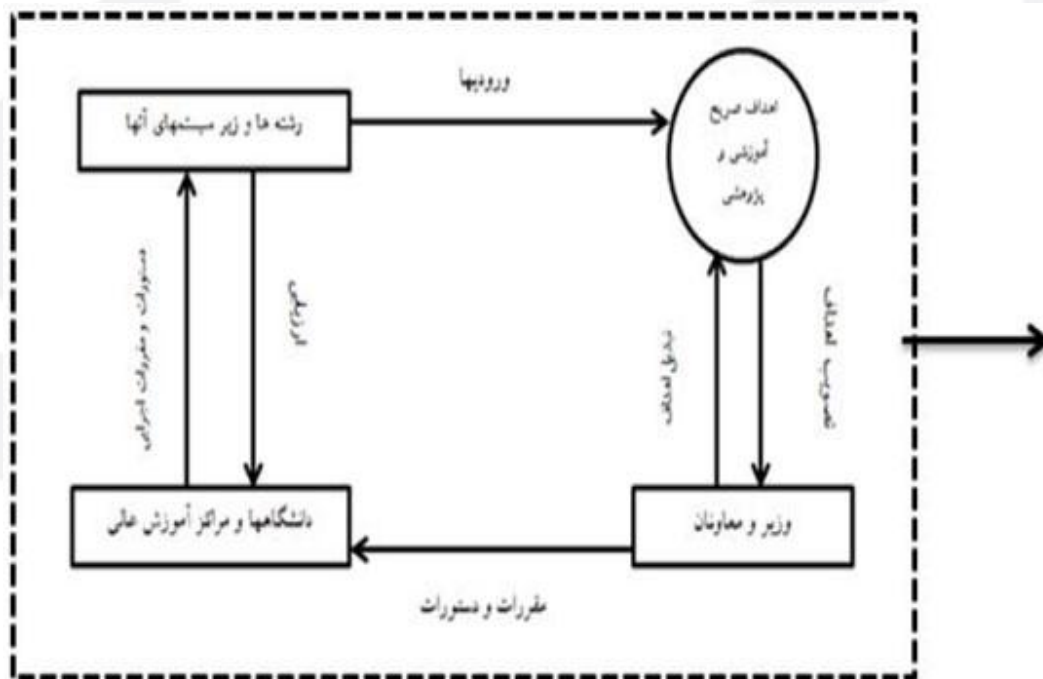
نحوه شکل‌گیری این رشته در ایران از یکسو و پیشرفتهای مداوم در دنیای اطلاعات و ارتباطات از سوی دیگر، لزوم بررسی کل‌نگرانه، تدوین مجدد اهداف و بازنگری در فرایندهای آموزشی و تنظیم دروندادها و شکل‌دهی به بروندادهای رشته را از ضرورتی بیشتر برخوردار نموده است. رشد، توسعه و ادامه حیات این رشته، مانند هر رشته علمی دیگری نیازمند تعلیم و تربیت نیروی انسانی مجهز به پشتوانه نظری، عملی و حرفه‌ای است که بدون تردید این امر مهم جز با اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب و کارآمد رخ نخواهد داد.

آموزش دانش شناسی و علم اطلاعات از دیدگاه سیستمی



نگرش سیستمی را با هر هدف و در هر کجا که به کار گیریم، از پدیده‌ها در کلیتی نظام‌مند با ارتباطات متقابل عوامل و اجزای تشکیل دهنده، به‌همراه محیط پیرامونی و بازخوردهای آن صحبت به میان می‌آید و این ناشی از اتفاق نظری است که درباره تعریف سیستم به شکل اعم وجود دارد و آن عبارتست از اینکه: سیستم مجموعه‌ای از اجزا مرتبط با هم است که در رابطه‌ای تعریف‌پذیر، هدف خاصی را دنبال می‌کنند. مطابق این نگرش برای هر موضوع مورد مطالعه به روش سیستمی، حداقل مواردی همچون درون‌داد، فرایندها و بخشهای تغییر دهنده، برون داد و بازخورد در ارتباط با هم دیده می‌شوند (وست چرچمن^۲، ۱۳۷۵). بر این اساس، در بازبینی آموزش رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات از دیدگاه سیستمی، لازم است عناصر این سیستم شناسایی شده و ارتباط آنها با یکدیگر و نیز با عناصر محیط بیرونی در نظر گرفته شود. بدیهی است همه عناصر و اجزاء تشکیل دهنده این سیستم دارای اهمیت هستند و در پرداختن به آنها باید تمام عناصر جزئی نیز در نظر گرفته شوند.

دانش‌شناسی و علم اطلاعات، به‌عنوان یکی از رشته‌های دانشگاهی کشور، سیستمی فرعی برای نظام آموزش عالی محسوب می‌شود. در واقع آنچه در ساختار نظام آموزش عالی کشور رخ می‌دهد، از آنجا که برای رشته محیط خارجی و نیز ابر سیستم تلقی می‌شود بدون شک بر آن موثر است. به همین دلیل به سیستم آموزش عالی کشور نگاهی خواهیم داشت. این سیستم در شکل ۲ آورده شده است.



شکل ۲: سیستم آموزش عالی کشور به‌منزله یک نظام باز

² West. Churchman



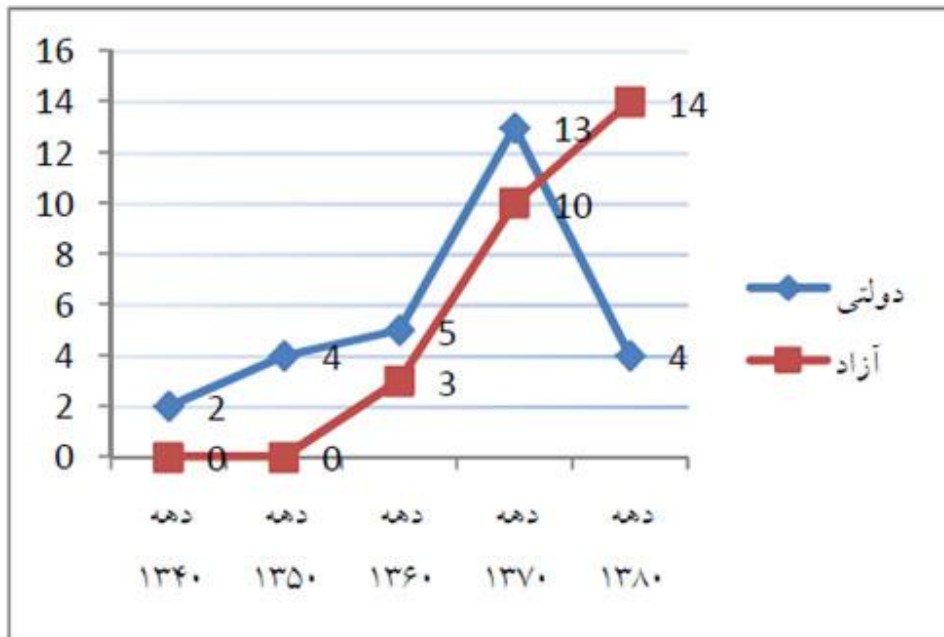
همانطور که در این شکل دیده می‌شود، نظام آموزش عالی کشور به‌منزله سیستمی باز^۳ در نظر گرفته شده است که رشته‌ها و زیرسیستم‌های آن، ورودیهایی هستند که برای دستیابی به اهداف آموزشی و پژوهشی سیستم تعریف شده‌اند. این اهداف توسط وزیران و معاونان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شده و در قالب مقررات و دستورات به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ابلاغ می‌شود. خروجیهای سیستم، دانش‌آموختگان مقاطع مختلف تحصیلی هستند که انتظار می‌رود بر اساس اهداف نظام آموزش عالی کشور تنظیم شده باشند که اصولاً باید در راستای اهداف اجتماع باشد.

اجزاء سیستم آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات

از نظر برخی صاحب‌نظران، تبیین سیستم را می‌توان دست کم از سه دیدگاه متفاوت انجام داد؛ ۱- از نقطه نظر جامعیت و کلیت خارجی سیستم و خواص مربوط به آن، ۲- از دیدگاه ساختار داخلی سیستم و سهمی که عناصرش در شکل و کلیت بخشیدن به آن دارند، ۳- از دیدگاه تفسیر یک سیستم به‌عنوان عنصری از یک سیستم بزرگتر. اجزاء سیستم آموزش رشته عبارتند از: ورودیهها، بخشهای تغییر دهنده، خروجیها و محیط.

ورودیههای سیستم، دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات هستند که فراهم آورنده انرژی برای سیستم آموزش به‌شمار می‌روند. پتانسیل اندک ورودیههای هر سیستمی، سبب خروجیهای غیر مفید خواهد شد و آموزش این رشته نیز از این قاعده مستثنی نیست. روند رشد ورودیههای مقاطع مختلف تحصیلی طی گذشت پنج دهه از آموزش رشته در ایران، در نمودار یک آمده است.

^۳ سیستمی پویا که از تغییرات محیط متأثر شده و بر محیط نیز تاثیر می‌نهد. تعادل چنین سیستمی، دائماً در حال تغییر است و از یک تعادل به تعادل جدید می‌رسد و در آن، راه همه گونه تعامل با محیط خارج وجود دارد.



نمودار ۱: روند رشد دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات طی دهه ۱۳۴۰-۱۳۸۰

بر اساس این نمودار می‌توان به این نتیجه رسید که رشد دانشجویان این رشته، در سه دهه فزاینده بوده است، اما این رشد در دانشگاه‌های دولتی از یک دهه قبل رو به کاهش نهاده است. این مسأله بدون تردید برخاسته از مشکلاتی در درون و برون رشته می‌باشد. به نظر می‌رسد تغییر سیاست‌های آموزش عالی و سهولت ورود به دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر، سبب شده تا این رشته از اقبال سابق برخوردار نباشد. البته وجهه اجتماعی حرفه‌مندان و نیز تأثیری که عنوان سابق رشته (کتابداری و اطلاع‌رسانی) بر این روند داشته است را نمی‌توان نادیده گرفت. این وضعیت برای رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مانند تیغی دو لبه است. از یک سو کاهش تعداد ورودیها یا پتانسیل کم آنها زنگ خطری برای آینده رشته است و از سوی دیگر می‌تواند نشان دهنده این باشد که در صورت فراهم‌ساختن آینده شغلی مناسب، با توجه به اینکه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی جزء جدایی‌ناپذیر جامعه هستند، می‌تواند از جذابیت‌های انتخاب این رشته باشد. ورودیهای سیستم با هر شرایطی که وارد شده باشند، تغذیه‌کننده بخش‌های تغییردهنده هستند. بخش‌های تغییردهنده، فعالیت‌های مرتبط با هم یا موثر بر هم هستند که با صرف منابع، ورودیهای سیستم را به خروجی تبدیل می‌کنند. در سیستم آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات، تعیین فرایندها مانند هر سیستم دیگری باید برخاسته از اهداف آن و سازوکارهای دسترسی هرچه بیشتر به این اهداف باشد.

هدف از آموزش این رشته مطابق با آنچه با آنچنان که در مقدمه سرفصل‌های مقاطع مختلف تحصیلی^۴ آمده، در جدول یک خلاصه شده است.

^۴ قابل دستیابی از <http://gostaresh.msrt.ir/frmGrade.aspx>



جدول ۱: اهداف آموزشی دانش‌شناسی و علم اطلاعات در مقاطع و گرایش‌های مختلف

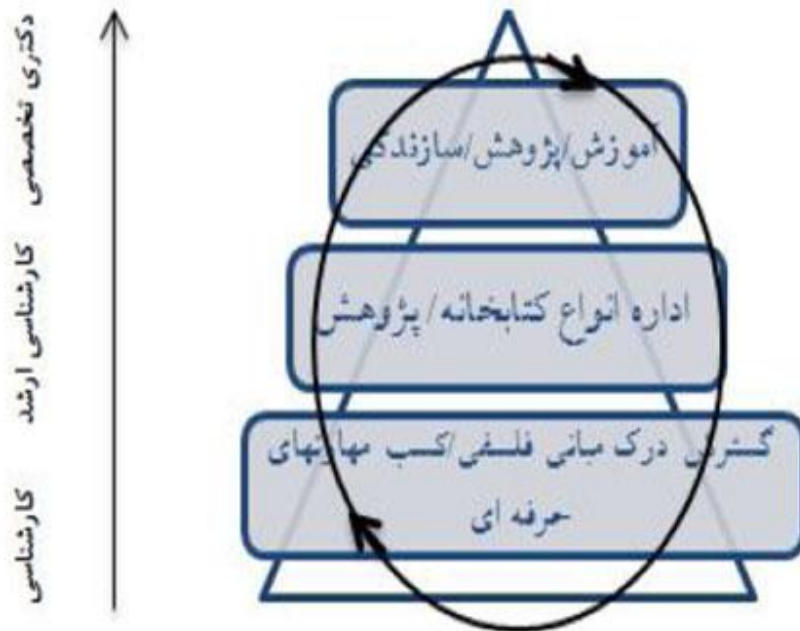
هدف		مقطع تحصیلی	
		گرایش	
<p>آشنا ساختن دانشجویان با اهمیت نقش کتابخانه در گسترش فرهنگ و علوم و فنون در جامعه به نحوی که آمادگی لازم را جهت کار در انواع مختلف کتابخانه پیدا کنند و مهارت‌های لازم را در انجام این امور کسب نمایند.</p>		-----	کارشناسی
<p>تربیت کتابداران متخصص برای انجام اداره و انجام امور تخصصی کتابخانه‌های دانشکده‌های و دانشگاهی و موسسات آموزش عالی و نیز پژوهش در زمینه مسائل کتابخانه-های فوقی.</p>	<p>هدف کلی: با توجه به گسترش سریع علوم و فنون و حجم روزافزون انتشارات علمی و سایر رسانه‌ها و نیز نیازهای متغیر جامعه استفاده کننده اطلاعات، وجود کارشناسان متخصص و آموزده رشته‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی برای اداره کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و مدارک و سازمان دادن برای بهره‌برداری صحیح و نیز ارائه خدمات متناسب با نیاز، امری لازم است. علاوه بر این لزوم پوشش دادن پژوهش در این زمینه از علوم و فنون و نیز احتیاجات آموزشی این رشته</p>	کتابخانه‌های دانشگاهی	کارشناسی ارشد
<p>تربیت کتابداران برای اداره و انجام کارهای تخصصی کتابخانه‌های آموزشگاهی و مراکز منابع آموزشی و نیز پژوهش در امور خدمات اینگونه کتابخانه‌ها و مراکز.</p>	<p>تربیت متخصصان واجد شرایط و مستعد را که بتوانند در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت نمایند، ایجاد می‌کند. بنابراین، هدف این سطح از برنامه، تربیت مدیران و پژوهشگران در شاخه‌های ۴ گانه پیش‌بینی شده است.</p>	کتابخانه‌های آموزشگاهی	
<p>آماده کردن کتابداران متخصص برای اداره و نظارت بر انجام امور فنی و خدماتی این کتابخانه‌ها، سترش دامنه فعالیت کتابخانه‌های عمومی و پژوهش در زمینه مسائل و فعالیت‌های مربوط.</p>	<p>تربیت متخصصان واجد شرایط و مستعد را که بتوانند در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت نمایند، ایجاد می‌کند. بنابراین، هدف این سطح از برنامه، تربیت مدیران و پژوهشگران در شاخه‌های ۴ گانه پیش‌بینی شده است.</p>	کتابخانه‌های عمومی	
<p>فراهم کردن امکانات آموزشی لازم برای تربیت متخصصان این رشته جهت اداره و انجام کارهای تخصصی و پژوهشی در مراکز مدارک، کتابخانه‌های تخصصی و سازمانها و موسساتی که در زمینه-های مربوط به خدمات اطلاع‌رسانی فعالیت می‌نمایند.</p>	<p>تربیت متخصصانی که با احاطه یافتن بر آثار این حوزه و آشنا شدن با روشهای پیشرفته تحقیق در این زمینه و دستیابی به آخرین پیشرفته‌ها در این رشته بتوانند با نوآوری در این زمینه، خصوصاً در مسائل مربوط به ایران به پیشرفته رشته در ایران کمک کنند. هدف دیگر، تربیت نیروی انسانی خلاق</p>	اطلاع‌رسانی	
<p>تربیت متخصصانی که با احاطه یافتن بر آثار این حوزه و آشنا شدن با روشهای پیشرفته تحقیق در این زمینه و دستیابی به آخرین پیشرفته‌ها در این رشته بتوانند با نوآوری در این زمینه، خصوصاً در مسائل مربوط به ایران به پیشرفته رشته در ایران کمک کنند. هدف دیگر، تربیت نیروی انسانی خلاق</p>		-----	دکتری



هدف		
مقطع تحصیلی	گرایش	
		و کارآمد برای تدریس و تحقیق در موسسات آموزشی و پژوهشی است.

بررسی اهداف مقاطع مختلف تحصیلی بیانگر این است که تاکید بر کسب مهارت‌های حرفه‌ای در دوره کارشناسی، اداره انواع کتابخانه‌ها و پژوهش در دوره کارشناسی ارشد و نیز آموزش، پژوهش و کمک به سازندگی رشته در دوره دکتری تخصصی از جایگاهی قابل توجه می‌باشند. این نکته در شکل ۳ نیز نشان داده شده است. انتظار می‌رود هرچه از قاعده هرم به سمت راس آن حرکت کنیم، تاکید بر پژوهش و سازندگی رشته بیشتر و تلاش برای انتقال این آموخته‌ها به قاعده هرم بیشتر خواهد شد. البته همانطور که نمی‌توان اهداف این سه مقطع را از یکدیگر جدا دانست و آموخته‌های سطوح پایین‌تر تحصیلی در تجلی یافتن اهداف مقاطع بالاتر موثر است، جریان دستاوردهای حاصل از تحقق اهداف سطوح بالا به بخش‌های زیرین هرم و تاثیر مداوم آن نیز ناگزیر است. بر این اساس هرچه فرایندها و به‌ویژه برنامه‌های آموزشی و محتوای آنها دقیق‌تر، عالمانه‌تر و هشیارانه‌تر تنظیم شوند، بالندگی اهداف در دوره‌های زمانی مختلف و در آینده امکان‌پذیرتر و واقع‌بینانه‌تر خواهد بود.

انتظار می‌رود مقاطع تحصیلی رشته، ارتباط مستدلی با یکدیگر داشته باشند و درسهای ارائه شده در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری همانطور که حیدری (۱۳۹۰) نیز اشاره می‌کند باید به صورت پایه، در دوره کارشناسی ارائه گردند و در دوره‌های بالاتر ابعاد تخصصی آنها مدنظر قرار گیرد، نه اینکه دانشجوی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری با مفاهیم اولیه آشنا شود، در حالی که در گذشته فرصتی برای تأمل درباره آنها پیدا نکرده باشد.



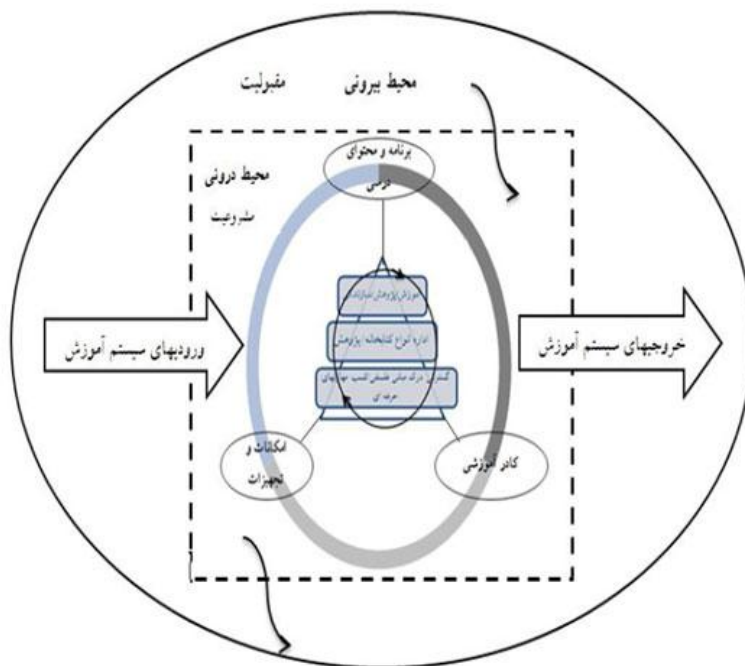
شکل ۳: اهداف مقاطع مختلف تحصیلی و بهره‌کنش آنها

اما هدف، تنها یکی از ضرورت‌های شکل‌گیری هر سیستمی از جمله نظام آموزشی است. ورودی‌های رشته که در مقاطع مختلف تحصیلی با این اهداف مشخص و از پیش تعیین شده وارد سیستم آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات می‌شوند، بیش از هر چیز نیازمند فرایندها و بخش‌هایی هستند که آنها را متناسب با اهداف آموزشی مقطع مربوطه تغییر دهد. مهمترین قسمت بخش‌های تغییر دهنده این سیستم، برنامه‌های درسی است که متناسب با هدف هر مقطع و با بهره‌گیری از منابع (امکانات و تجهیزات مراکز آموزشی، منابع آموزشی، مدرسان) تدوین شده و خروجی‌های سیستم آموزشی را شکل می‌دهند. بدیهی است توجه انحصاری به این بخشها بدون در نظر داشتن کیفیت ورودیها و نیز امکانات و منابع مورد نیاز نمی‌تواند خروجی‌های مطلوبی داشته باشد. همانطور که در شکل ۴ نیز آمده است، فرایندهای سیستم آموزشی که بر مبنای اهداف این نظام تدوین شده‌اند از منابع سه‌گانه پیش گفته تغذیه می‌کنند و مسلم است کمبود این منابع، بر فرایندها تأثیرگذار است. پس از گذشت ۵ دهه از آغاز آموزش این رشته در ایران، بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب در این حوزه به انتشار درآمده است که به لحاظ کمی، رقم قابل ملاحظه‌ای است و انتظار می‌رود کمک درخور توجهی در تأمین منابع آموزشی باشد، اما متأسفانه بررسی کیفی در این مقوله انجام نگرفته است تا مشخص شود میزان کارآمدی این انتشارات در ساختار آموزشی رشته تا چه اندازه است. وجود بیش از صد فارغ‌التحصیل مقطع دکتری در رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات، بستر مناسبی را تغذیه آموزش عالی کشور فراهم نموده است. البته توانمندی‌های این عده و نحوه استفاده از تخصصشان در بعد آموزش، به‌طور علمی مورد بررسی قرار نگرفته است بدیهی است کادر آموزشی باید توانمندی اداره



برنامه‌های آموزشی را داشته باشند. همچنین وضعیت امکانات و تجهیزات موجود آموزشی نیز به‌طور دقیق مشخص نیست و بدون داشتن این اطلاعات قضاوت در مورد کارایی فرایندهای آموزشی چندان دقیق نخواهد بود. با این حال، به نظر می‌رسد عمده‌ترین مسائلی که آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات در بخش‌های تغییر دهنده، عبارتند از:

- سایه پست مدرنسیسم منفی و کمیت گرایی: وجود ۸۴ گروه آموزشی که در ۲۹ دانشگاه دولتی و غیر دولتی فعالیت می‌کنند، سبب افزایش قابل ملاحظه فارغ التحصیلانی شده است که به علت عدم نظارت و فقدان کیفیت آموزش‌های ارائه شده از علم و مهارت لازم برای حضور در فعالیت‌های آموزشی، عملی و حرفه‌ای برخوردار نیستند.
- الگو برداری‌های غیر بومی در زمان شکل‌گیری آموزش رسمی رشته و استفاده از مدرسان غیر ایرانی در آن زمان، آسیب‌های بلند مدتی را به آموزش و خروجی‌های آن وارد ساخته است.
- موازی بودن اهداف تربیت دانش‌آموختگان در مقاطع مختلف تحصیلی با نظام مدیریتی کشور (به‌عنوان نمونه، فاصله بین آموزش و نیاز جامعه).
- عدم توجه به پرورش قوه خلاقیت در دانشجویان.
- خلاء تفکر انتقادی بین اساتید و دانشجویان.
- محتوای تکراری و گاه غیر روزآمد دروس مقاطع مختلف تحصیلی.



شکل ۴: اجزاء سیستم آموزش رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات و تعامل آنها با یکدیگر



در نهایت، خروجی‌ها عناصری هستند که به واسطه فعالیت‌هایی که در بخش‌های تغییر دهنده در ورودی‌ها انجام شده، آنها بر اساس اهداف سیستم آموزشی رشته شکل داده شده‌اند. آنچه به عنوان ورودی سیستم در نظر گرفته می‌شود، در پایان بایستی از سیستم خارج شوند. این خروجی‌ها، یا وارد مقاطع بالاتر تحصیلی می‌شوند یا اینکه به احتمال زیاد خود را برای ورود به بازار کاری آماده می‌سازند که متناسب با اهداف هر مقطع تحصیلی باشد. به طور منطقی، انتظار می‌رود هر چه به مقاطع بالاتر تحصیلی نزدیک می‌شویم از تعداد ورودی‌ها کاسته شود و در عین حال عمق آموزه‌ها افزوده گردد.

عنصر دیگر سیستم محیط است. محیط یک سیستم عبارت از مجموعه عناصر، خواص و آثار مربوط به آنهاست که جزء سیستم نیستند اما تغییر در هر یک از آنها می‌تواند در حالت سیستم تغییراتی ایجاد کند. برای حفظ پویایی سیستم آموزش مانند هر سیستمی، باید تعادل منطقی میان محیط درونی و بیرونی سیستم برقرار شود.

بطور کلی، آموزش این رشته در ایران از دو بعد کلان مسائل ویژه خود را دارد که برخی از عمده‌ترین عوامل محیطی موثر در آموزش آن در اینجا اشاره شده‌اند:

۱- آموزش در این رشته به مثابه جزیی از نظام کلی آموزش در ایران نقایص و کمبودهایی دارد که متأثر از ساختار این نظام هستند.

۲- مسائلی که برخاسته از درون رشته هستند.

محیط را می‌توان به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم بندی نمود:

محیط درونی: عواملی هستند که در درون حوزه و رشته به وجود آمده و بر آن تأثیر می‌گذارند. این عوامل شامل

گفتمان‌ها، خرده فرهنگ‌ها، و پارادایم‌ها و رویکردهای حاکم بر رشته اند. مهمترین این عوامل عبارتند از:

- به رسمیت شناختن رشته از طرف دانشگاه‌ها

- انجمن‌های علمی

- مجلات تخصصی

محیط بیرونی: شامل هر آن چیزی است که در بیرون رشته و حرفه می‌گذرد و شامل گستره وسیعی از انواع رخدادهای و

تعامل‌ها در دو دسته کلی می‌شود (محیط همواره در حال تغییر است):

۱- بین المللی: برخی رخدادهای و تعاملات بین المللی بر روند آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات در سطح ملی تأثیر

قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.



۲- ملی: مانند انقلاب فرهنگی، انقلاب اسلامی، سیاست‌های رایج آموزش عالی کشور (رسیدن به قله علمی در منطقه در سند ۱۴۰۴) که خطر تشدید کمی‌گرایی را به‌همراه خواهد داشت، نظام آموزش و پرورش، خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها، تأثیر سایر نظام‌های اجتماعی و فناوری‌های اطلاعاتی.

خلاصه کلام

برای بهبود شرایط آموزشی در رشته دانش‌شناسی و علم اطلاعات و ایجاد پویایی بیشتر در آن، باید عناصر آموزشی این رشته دانشگاهی اعم از گروه‌های آموزشی، برنامه‌های درسی، مدرسان و اعضای هیئت علمی، تجهیزات و زمینه‌های سخت افزاری و نرم‌افزاری و حتی شرایط ورود و خروج دانشجویان را به دقت بازنگری و ارزیابی نمود (حری، ۱۳۸۵، ۲۱۸). دیدگاه سیستمی نگرگاه مناسبی است که می‌تواند نشان‌دهنده مسائل آموزش این رشته باشد. همانطور که در این گفتار کوتاه مورد اشاره قرار گرفت، اصلی‌ترین عناصر سیستم آموزش دانش‌شناسی و علم اطلاعات، یعنی اهداف، ورودی‌ها، فرایندها، خروجی‌ها و محیط، هرکدام بستر مناسبی برای تحلیل چالش‌های آموزش این رشته می‌باشند و در جریان تغییر و به منظور حفظ حیات سیستم باید به آنها توجه داشت. آنچه سبب شده تا کنون این تغییرات به‌نحو مطلوب رخ ندهند یا در مقابل برخی از آنها مقاومت شود به دو دسته عامل کلی بستگی دارد؛ ۱- در سطح کلان کشوری ۲- در سطح درون رشته. تا زمانی که نوع نگرش آموزش عالی، دانشگاه‌ها و جامعه علمی به رشته (مشروعیت بیرونی) تغییر نکند و فقدان خرد جمعی و خلاء انسجام حرفه‌ای به‌دلیل عدم تعامل و همکاری میان گروه‌های مختلف آموزشی در سطح کشور وجود داشته باشد و طرز تفکر سنتی بر فضای رشته سایه انداخته باشد، انتظار تحقق کارآمد این تغییر دور از ذهن است.

منابع و مآخذ

- ابرامی، هوشنگ (۱۳۵۴). "نقطه آغاز: گره کور آموزش دانش‌شناسی". **نامه انجمن کتابداران ایران**، دوره هشتم، ۴ (زمستان)، ص. ۵۴۳-۵۵۴.
- حری، عباس (۱۳۸۵). **اطلاع‌رسانی: نگرشها و پژوهشها (چاپ دوم)**. تهران: کتابدار.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۹). **پویایی‌های سیستم**. تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- حیاتی، زهیر (۱۳۸۷). "مسائل آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاهها". **کتابداری و اطلاع‌رسانی**، دوره دوم، (بهار ۱۳۷۸): ۲۶-۳۰.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۰). "آموزش کتابداری و علم اطلاعات در ایران: موانع و راهکارها". **کتابداری و اطلاع‌رسانی**، شماره ۵۴. قابل دستیابی در



http://www.aqlibrary.ir/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_publications&did=1158&pid=10

تاریخ بازیابی: ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۲۵

سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۰). "مقایسه سیاست های اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ژاپن و ایران". **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲: ۲۳۹-۲۳۲.
وست چرچمن، چارلز، (۱۳۷۵). **نظریه سیستمها**. تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

